

دکتر رابرت ای. پترسون، انسانیت و گناه، جلسه ۱۴، گناه نخستین، رومیان ۵: ۱۲-۱۹، در زمینه رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است. این جلسه ۱۴، گناه نخستین، رومیان ۵: ۱۲-۱۹، در چارچوب رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۱ است.

ما به مطالعه خود در مورد هامارتیولوژی، آموزه گناه، ادامه می‌دهیم.

پس از صرف زمان قابل توجهی برای توصیف گناه در کتاب مقدس، آماده‌ایم تا به گناه نخستین بپردازیم، اما برای انجام این کار، به بررسی بسیار مختصری از سقوط آدم و حوا در گناه نیاز داریم. جان ماهونی پیش از این بر این موضوع تمرکز کرده است، بنابراین خلاصه‌ای کوتاه کافی است. خداوند آدم را آفرید و او را در محیطی بی‌نقص قرار داد.

او به آدم گفت که آزاد است از هر درختی در باغ بخورد، به جز درخت شناخت نیک و بد. خداوند به آدم هشدار داد، زیرا وقتی از آن بخوری، مطمئناً خواهی مرد، پیدایش ۲: ۱۷. سپس خدا حوا را به عنوان یاور آدم آفرید.

در پیدایش ۳، مار حیل‌گر، ابزار شیطان، مکاشفه ۱۲: ۹ را مقایسه کرد، با حوا صحبت کرد و ممنوعیتی را که خدا به آدم داده بود، زیر سوال برد. آیا خدا واقعاً گفته است که نباید از هیچ درختی در باغ بخورید؟ در آیه حوا امتیازات و ممنوعیتی را که خدا داده بود، دوباره بیان می‌کند. سپس شیطان با بیان این جمله که «مطمئناً نخواهید مرد، زیرا خدا می‌داند وقتی از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و مانند خدا خواهید بود و خوب و بد را تشخیص خواهید داد» (هشدار قبلی خدا را انکار می‌کند). آیات ۴ و ۵)

گناه آنها نافرمانی و بی‌وفایی نسبت به خالقشان بود. مرگی که متحمل شدند، هم فوری و هم نهایی بود. آنها بلافاصله مردند، زیرا از مشارکت با خدا جدا شدند.

آنها از خداوند پنهان شدند و وقتی خدا آنها را با گناهشان روبرو کرد، تقصیر را به گردن دیگری انداختند. خدا با لطف خود، آنها را از باغ بیرون راند، مبادا از درخت حیات بخورند و تا ابد در شرایط گناه آلود زندگی کنند. این مانند این است که خداوند به ما بگوید، بسیار خوب، شما فرزندان من هستید.

من شما را از گناه رهایی داده‌ام. این آسمان و زمین جدید است. این تا ابد به همین شکل ادامه خواهد داشت، که چیز خیلی خوبی نیست زیرا ما در بدن‌های فانی حیات جاودان داریم.

و تا حدودی، تمام زندگی ما آشفته است. مطمئناً، زندگی فرهنگی گسترده‌تر نیز آشفته است و غیره. این چیز خوبی نخواهد بود.

بنابراین، بیرون راندن آنها از عدن توسط خدا از روی رحمت بود. بعداً، آنها بلافاصله از نظر روحی مردند، احتمالاً هنگامی که خدا با آنها روبرو شد و اولین وعده رستگاری را داد، بخشیده شدند. برخی این را با قربانی کردن حیوانات توسط او برای دادن پوست به آنها مرتبط می‌دانند.

بعداً، آنها از نظر جسمی مردند. اگر گناه نمی‌کردند، نمی‌مردند. مرگ روحانی و جسمی عواقب نافرمانی آنها از خدا است.

بنابراین، کتاب پیدایش سقوط والدین اولیه ما را در گناه ثبت می‌کند. این کتاب به تحلیل الهیاتی سقوط نمی‌پردازد. درک کیدنر، که یک نوازنده پیانو بود که به محقق عهد عتیق تبدیل شد و من عاشق نوشته‌های او هستم.

اوه، آنها کتاب مقدسی هستند. آنها خیلی خوب نوشته شده‌اند. او خیلی خوب به اصل مطلب می‌پردازد.

شروع به جایگزینی InterVarsity او اخیراً به دیدار خداوند رفت. نوشته‌های او چنان محبوب بودند که وقتی برخی از آنها با تحقیقات جدیدتر کرد، که قابل درک است، اعتراض به اندازه‌ای بود که ناشر کتابخانه‌ای از درک کیدنر راه‌اندازی کرد و تمام نوشته‌های او را دوباره در دسترس قرار داد. درک کیدنر در نقل قول گفته است که آموزه گناه اولیه در فصل سوم پیدایش نهفته است، که گناه از طریق یک مرد و مرگ از طریق گناه به جهان آمد. رومیان ۵:۱۲ فقط در عهد جدید به طور دقیق مورد توجه قرار می‌گیرد.

عهد عتیق از این داستان کم استفاده می‌کند، اگرچه شاهد اسارت انسان است. مواد لازم برای این آموزه را دارد، اما آن را تدوین نکرده است. تفسیر عهد عتیق تیندل

پولس رسول کسی بود که آموزه گناه نخستین را تدوین کرد. عهد جدید آموزه گناه نخستین را در رومیان ۵ ارائه می‌دهد. گناه نخستین در رومیان ۵، ۱۲ تا ۱۹. مرور کلی، تحلیلی از رومیان ۱:۱۸ تا ۵:۲۱

دو، یک تفسیر، یک مطالعه دقیق بر اساس متن یونانی رومیان ۵:۱۲ تا ۱۹، یا فکر می‌کنم تا ۲۱ ادامه دارد. سپس، دیدگاه‌های مربوط به گناه نخستین، از جمله پلاگیا نیسم، آرمینیا نیسم، و دیدگاه‌های مختلف کالوینیستی. سپس، دیدگاه‌های مربوط به گناه نخستین را ارزیابی خواهیم کرد، که همان دیدگاه‌هایی هستند که همین الان خواندم.

در آن ارزیابی، نتیجه‌گیری‌هایم را ارائه می‌دهم و به دنبال آن، پیامدهای سیستماتیک و معنوی آموزه گناه نخستین را بیان می‌کنم. گناه نخستین در رومیان ۵:۱۲ تا ۱۹. تحلیلی از رومیان ۱:۱۸ تا ۵:۲۱

این بخش از رومیان واحدی است که به آموزه‌ی عادل‌شمردگی می‌پردازد. شما می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید، شما قبلاً بارها گفته‌اید که رومیان ۵:۱۲ تا ۱۹ متن کلاسیک، متن کلاسیک برای گناه نخستین است. همینطور هم هست.

اما حالا شما به من می‌گویید که این در بخشی از رومیان است که موضوع اصلی آن عادل‌شمردگی است. این هم درست است. در مورد موضوع عادل‌شمردگی، رومیان ۵:۲۱ متن کلاسیک در کل کتاب مقدس در مورد گناه نخستین است، اگرچه عمدتاً یک بخش عادل‌شمردگی است که عادل‌شمردگی و گناه نخستین را به هم مرتبط می‌کند.

در واقع، این موضوع ارتباط بسیار نزدیکی با آنها دارد. رومیان ۱:۱۸ تا ۳:۲۰، که بخش طولانی است، نیاز به عادل‌شمردگی را نشان می‌دهد. ۳:۲۱ تا ۵:۲۱، بیان می‌کند که چگونه خدا این نیاز را در کار مسیح برآورده کرد.

با فصلی در مورد ایمان، رومیان ۴، در میان آنها. پولس موضوع رساله خود را در رومیان ۱:۱۶ و ۱۷ بیان می‌کند. زیرا من از انجیل خجل نیستم، زیرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول برای یهودی و سپس برای یونانی.

زیرا در انجیل، زیرا در آن، عدالت خدا از ایمان به ایمان آشکار می‌شود، زیرا نوشته شده است که صالحان به ایمان زیست خواهند کرد. پولس قصد دارد انجیل، مژده نجات گناهکارانی که به مسیح ایمان می‌آورند را توضیح دهد. در انجیل، عدالت خدا آشکار می‌شود.

نمی‌توانم به مبارزه‌ی لوثر فکر نکنم. او به درستی اشاره کرد که عدالت، عدالت خدا در عهد عتیق، گاهی به معنای عدالت محکوم‌کننده‌ی اوست، عدالت محکوم‌کننده‌ی اوست. و این در ذهن لوثر کاملاً پر شده بود.

وقتی این کلمات را خواند، ذهنش پر از آن مفهوم شد. در انجیل، عدالت خدا آشکار شده است. و لوثر می‌گوید، اوه، من نمی‌توانم آن خدا را تحمل کنم.

او گناهکاران بیچاره را مسخره می‌کند. او آشکار کردن محکومیت گناهکاران را مژده می‌داند. و مشت خود را به سمت خدا تکان داد.

او مرد صادقی نیست. هیچ مکاری در او نبود. در مژده، عدالت خدا آشکار شده است.

همانطور که لوثر به آرامی و با شادی متوجه شد، پولس از عدالت نجات‌بخش خدا صحبت می‌کرد، نه از عدالت محکوم‌کننده‌اش. رسول، حبقوق ۲:۴ را به این معنی تفسیر می‌کند که فرد عادل با اعتماد به عیسی به عنوان نجات‌دهنده، حیات جاودان را به دست خواهد آورد. وقتی لوثر این را فهمید، گفت: دروازه‌های بهشت باز شد و من مستقیماً وارد شدم زیرا او ایمان آورد.

اما از قبل، من دیدم که او چگونه تقلا می‌کرد. خدای من، چگونه تقلا می‌کرد. پاول، پس از اعلام موضوع خود، کار شگفت‌انگیزی انجام می‌دهد.

من از انجیل خجل نیستم. انجیل قدرت خداست برای نجات هر کسی که ایمان آورد، چه یهودی و چه غیر یهودی. زیرا در انجیل، عدالت خدا آشکار می‌شود.

همانطور که نوشته شده است، پارسایان به ایمان زیست خواهند کرد. اما این چیزی نیست که پولس در ادامه می‌گوید. او می‌گوید خشم خدا از آسمان نازل می‌شود.

پولس پس از اعلام موضوع خود، یعنی عدالت نجات‌بخش خدا، در آیه ۱۸ به جای صحبت از عدالت نجات‌بخش خدا، به مکاشفه خشم او می‌پردازد. «زیرا خشم خدا از آسمان نازل می‌شود بر هر بی‌دینی و بی‌عدالتی مردمی که با بی‌عدالتی خود حقیقت را سرکوب می‌کنند».

پولس کلمه عدالت را از جمله، عدالت خدا، حذف کرده است. او عدالت را برداشته و غضب را جایگزین آن کرده است. او غضب را جایگزین عدالت کرده است.

اکنون، همانطور که او می‌گوید، خشم خدا آشکار می‌شود. عدالت و خشم، همانطور که از زبان معناشناسی واژگانی و روابط جانمایی با یکدیگر استفاده می‌کنند، در کنار هم قرار می‌گیرند. یعنی، آنها را باید با هم فهمید زیرا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

در این مورد، آنها با یکدیگر دشمنی می‌کنند. نمی‌توان عدالتی را که رسول از آن سخن خواهد گفت، جدا از پیشینه نفرت مقدس خدا علیه گناه و گناهکاران، درک کرد. خشم خدا موضوع آیات ۱:۱۸ تا ۳:۲۰ خواهد بود.

و این مشکل اساسی انسان است. خود خدا باید با خشم خود مقابله کند تا عدالت نجات بخش خود را آشکار و باور کند. بنابراین من ۱:۱۸ را به عنوان تعیین کننده برای ۱:۱۸ تا ۳:۲۰ درک می کنم.

کل این بخش از رساله به رومیان را باید به عنوان مکاشفه ای از خشم خدا درک کرد. اگر بخواهید، می توان آن را سرفصل موضوعی نامید. این به دو دلیل درست است.

اول، محتوای این بخش، نارضایتی الهی را علیه گروه های مختلف گناهکاران نشان می دهد تا زمانی که تمام جهان در برابر خدا محکوم شود. دوم، در ۳:۲۱، پولس به مضمونی که قبلاً در ۱:۱۶ و ۱:۱۷ اعلام کرده بود بازمی گردد. اما اکنون عدالت خدا جدا از شریعت آشکار شده است، اگرچه شریعت و پیامبران به آن شهادت می دهند.

پولس در ادعای خود مبنی بر آشکار شدن خشم خدا، کلمه غضب را حذف کرده و کلمه عدالت را در آیه به جای آن برگردانده است. در اینجا نیز، مانند آیه ۱:۱۷، می خوانیم که عدالت خدا آشکار شده است ۳:۲۱ بگذارید دوباره بگویم.

در آیات ۱:۱۶ و ۱:۱۷، و تمام مفسرانی که تا به حال دیده ام موافقت، پولس هدف اصلی رساله به رومیان را بیان می کند. این آیه درباره انجیل، مژده نجات، و آشکار شدن عدالت نجات بخش خدا در مسیح است. در آیه بعدی، او کلمه عدالت را حذف می کند، کلمه غضب را جایگزین آن می کند و آن را تا آیه ۳۲۰ همان جا نگه می دارد.

، او چه می کند؟ او نشان می دهد که رستگاری خدا، عادل شمردگی گناهکاران توسط خدای مقدس و مهربان تنها در پرتو آموزه گناه و خشم و داوری می تواند به درستی درک شود. آن فصل ها، آن بخش هایی که به گناه و نیاز به رستگاری می پردازند، مانند پارچه جواهرسازی بنفش یا مشکی پررنگ هستند که در آن الماس ها و یاقوت ها و فیروزه ها قرار گرفته اند تا زیبایی و درخشندگی آنها را برجسته کنند. به همین ترتیب، عادل شمردگی خدا را نمی توان جدا از نیاز ما به عادل شمردگی، که موضوع 118 تا 320 است، درک کرد.

در آیات ۱:۱۸ تا ۳:۲۰، پولس خشم مقدس خدا علیه گناه انسان را به طرز قدرتمندی به تصویر می کشد. رسول نشان می دهد که چگونه گروه های مختلف مردم در برابر خدا محکوم هستند. اولاً، همه کسانی که زیر آسمان هستند، زیر خشم خدا هستند زیرا همه، وحی خدا در خلقت، یا به عبارت دیگر، قانون طبیعی او را از خود دور کرده اند، ۱:۱۸ تا ۱:۳۲.

دوم، همه کسانی که دیگران را قضاوت اخلاقی می کنند، قانون خدا را که بر قلب انسان نوشته شده است نقض می کنند و خود را محکوم می کنند، ۲:۱ تا ۱۶. گروه دوم از گروه اول متمایز است، همانطور که مقایسه و ۲:۱ نشان می دهد. ۱:۳۲ رومیان ۱:۳۲ را نشان می دهد ۱:۳۲.

اگرچه آنها حکم عادلانه خدا را می دانند که کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند سزاوار مرگ هستند، اما نه تنها آنها را انجام می دهند، بلکه کسانی را که آنها را انجام می دهند تأیید می کنند. در اینجا گناهکاران، گناهکاران دیگر را به زندگی گناه آلود تشویق می کنند، اگر بخواهید، آنها را به گناه تحت فشار قرار می دهند. 2:1 متفاوت است.

بنابراین، ای انسان، هیچ عذری برای هر یک از شما که قضاوت می کنید، ندارید، زیرا با قضاوت کردن دیگری، خود را محکوم می کنید، زیرا شما، به عنوان قاضی، همان کارهایی را انجام می دهید که خودتان محکوم می کنید.

گروه اول عمداً مرتکب شر می‌شوند و دیگران را نیز به انجام آن تشویق می‌کنند، ۱:۳۲. بله، بیایید به گناه ادامه دهیم.

گروه دوم، آیه ۲:۱، خود مرتکب گناه می‌شوند در حالی که کسانی را که همان گناهان را مرتکب نمی‌شوند داوری می‌کنند. گروه دوم ریاکارند در حالی که گروه اول ریاکار نیستند. اگر بخواهید، آنها گناهکاران صادق‌تری هستند.

من نمی‌دانم کدام بدتر است، و هر دو بد هستند. رومیان ۲:۱۷ تا ۲۹ به گروه سوم اشاره می‌کند که در واقع تمرکز اصلی پولس بر آنهاست، یعنی یهودیان، یعنی یهودیان نه تنها از قانون طبیعی و شریعت نوشته شده بر قلبشان بهره‌مندند، بلکه در داشتن شریعت خدا که بر لوح‌های سنگی نوشته شده نیز منحصر به فرد هستند.

آنها کلام مکتوب خدا را دارند، اما شریعت نمی‌تواند بیش از سایر قوانین، قانون طبیعی، قانون بر قلب، نجات نمی‌تواند بیش از آن قوانین نجات دهد. عهد عتیق یهودیان را محکوم L دهد. شریعت، با حرف بزرگ می‌کند؛ بنابراین، اسرائیل، در دوران عهد جدید، سه بار توسط وحی در خلقت، توسط وحی بر قلب انسان و به ویژه توسط کلام مکتوب خدا که با انگشت خدا بر لوح‌های سنگی نوشته شده است، محکوم می‌شود.

می‌خواهم کمی با این زمینه‌ها کار کنم. رومیان ۱:۱۸، ۱۹، برای خشم خدا، از آسمان نازل شده است، یعنی از جانب خدا، علیه هرگونه بی‌دینی و بی‌عدالتی مردمی که با بی‌عدالتی خود حقیقت را سرکوب می‌کنند. پولس گناهکاران، چه مرد و چه زن، را به عنوان کسانی معرفی می‌کند که به طور فعال وحی را از خدا دور می‌کنند.

این چه وحی‌ای است؟ پولس به ما می‌گوید. زیرا آنچه می‌توان درباره خدا دانست، برای آنها آشکار است زیرا خدا آن را به آنها نشان داده است. پولس، تو درباره چه چیزی صحبت می‌کنی؟ او به ما می‌گوید، زیرا صفات نادیدنی او، یعنی قدرت ابدی و ذات الهی‌اش، به وضوح درک شده‌اند.

وای، وای، وای، وقت تمام است. صفات نامرئی، به وضوح قابل درک. بدون شک او با بلاغت زیبایی می‌نویسد و توجه ما را به خود جلب می‌کند، اما منظور این است که صفات خدا، ویژگی‌های خدا که او را خدا می‌کند، که به هیچ روش دیگری قابل شناخت نیستند، آشکار شده‌اند.

اوه، منظورتان آن چیزی است که در کتاب مقدس آشکار شده است. درست است، اما منظور او اینجا این نیست. نه، ویژگی‌های او، و او دو مورد از آنها را برجسته می‌کند، قدرت ابدی و ذات الهی او، قدرت مطلق او و الوهیت او، به وضوح درک شده‌اند، نه تنها آشکار شده‌اند، بلکه از زمان خلقت جهان در چیزهایی که ساخته شده‌اند، درک شده‌اند.

وای. مزمو ۱:۱۹، آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند، و فلک، عمل دست او را نشان می‌دهد. مزمو در ادامه نشان می‌دهد که این [قدرت] پیوسته است، روز و شب، و در همه جا.

بنابراین، خدا خود را در خلقتش، دائماً، همیشه، همه جا آشکار می‌کند. اوه. و پولس موافق است.

از زمان آفرینش جهان و مشاهده جهان توسط بشر، قدرت و الوهیت خداوند در چیزهایی که او آفریده آشکار بوده است. نه تنها آشکار، بلکه به وضوح درک نیز شده است. خداوند مراقب است که آشکار شدن صفات نامرئی او که در آفرینش قابل مشاهده شده‌اند، به گناهکاران برسد تا آنها هیچ عذری نداشته باشند.

خداوند انسان‌هایی را که حامل تصویر او هستند، در خود جای داده است، کسانی که نه تنها دریافت می‌کنند بلکه حداقل تا حدی درک می‌کنند که او خداست و به اندازه کافی قدرتمند است که این جهان را بسازد؛ او آنها

را بدون هیچ عذری برای پرستش نکردن خود در خود جای داده است. پس آنها چه می‌کنند؟ پولس به ما می‌گوید که اگرچه آنها خدا را می‌شناختند، اما این بدان معناست که مسیح را نیز می‌شناختند؛ آنها نجات یافته بودند، درست است؟ نه، در این زمینه اینطور نیست، اینطور نیست. بله، این کلمات اغلب به این معنی هستند، اما نه در اینجا.

آنها خدا را دقیقاً همانطور که گفته شد می‌شناختند. او صفات خود را در خلقتش آشکار کرد، آنها خلقت او را از زمان خلقت دیده‌اند، چیزهایی را که او ساخته دیده‌اند، و می‌دانند که او قدرتمند است، و او خداست گروهی از مردم را در سراسر جهان به من نشان دهید که هیچ تصویری از خدا یا خدایان و نوعی پرستش نداشته باشند.

فقط انسان‌های فوق تحصیل کرده هستند که می‌توانند یک جهان‌بینی الحادی بسازند و آن را حداقل برای رضایت خودشان به کار بیندازند. انسان‌های طبیعی و ناآگاه، از قضا، بهتر می‌دانند. حالا، آنها با آنچه می‌دانند بهتر عمل نمی‌کنند، اما می‌دانند که یک موجود برتر وجود دارد.

آنها می‌دانند که این دنیا خود به خود به وجود نیامده است. من به یکی از دوستانم فکر می‌کنم، مردی خداترس که ۴۰ سال به خداوند خدمت کرد، دیگران را شاگردی کرد و سپس در یک مدرسه دینی تدریس کرد. او با یک تله کابین به دامنه تپه‌ای رفت تا خودکشی کند.

او خیلی افسرده بود، و به بیرون نگاه کرد، و فکر کرد، و نگاه کرد، و فکر کرد، و برگشت و برگشت. او گفت، خدایی هست. من او را نمی‌شناسم.

من کاملاً بهم ریخته‌ام. افکارم واقعاً بهم ریخته است، اما خدا وجود دارد. شکی در این نیست.

خوشبختانه، او، همانطور که انسان اولیه درک می‌کند، بهتر از انسان تحصیل کرده، مغرور، متکبر، یاغی و ملحد می‌فهمید. اگرچه آنها خدا را به معنای درک برخی از صفات بدخلقی او می‌شناختند، اما او را به عنوان خدا تکریم نکردند یا از او سپاسگزاری نکردند، بلکه در تفکر خود پوچ شدند. به یاد داشته باشید، گفتم یا ذهن، یا افکار، اندیشه، ذهن، تفکر، عقل nous پولس، بیش از همه بر اثرات نوئیک گناه از کلمه یونانی تأکید می‌کند.

پولس بیشتر بر تأثیرات گناه بر تفکر انسان تأکید می‌کند. اگرچه آنها خدا را شناختند، اما او را به عنوان خدا تکریم نکردند و از او سپاسگزاری نکردند، بلکه در تفکر خود باطل شدند و قلب‌های نادانشان تاریک شد. ادعای حکمت می‌کردند، اما احمق شدند و جلال خدای جاودان را با تصاویر و شمایل‌هایی شبیه انسان فانی عوض کردند.

آنها انسان‌ها و بدتر از آن، پرندگان، حیوانات و حتی موجودات خزنده را می‌پرستند. وحی عمومی خدا، وحی طبیعی او، به هر انسانی می‌رسد، و نه اینطور، نه اینطور. یک شخص می‌تواند به غارنوردی عمیقی در غاری برود که اصلاً نوری وجود نداشته باشد.

این درست است، و اگر آنها منابع نور خود را خاموش می‌کردند، که کار بسیار احمقانه‌ای است، یا منابع متعددی نداشتند، ممکن بود آنجا گیر کنند. بسیار خب، من اینجا هستم، دور از خدا. هدف من این است که فقط از او دور شوم. من نمی‌خواهم آن خورشیدی را ببینم که مدار دارد، مزمور ۱۹ به ما می‌گوید و دائماً به خدا شهادت می‌دهد.

میگه خدا من رو آفرید، خدا من رو آفرید، خدا من رو آفرید. برو بیرون، خورشید. برو بیرون، ماه و ستاره‌ها.

تاریک است، و ساکت است، و من بالاخره به هدفم رسیده‌ام، اما ناگهان صدای نفس کشیدنم را می‌شنوم، و ضربان قلبم را می‌شنوم، و من خودم مخلوق خدا هستم، گواهی بر قدرت و الوهیت او، که مرا به تصویر خود آفریده، مرا شبیه خود آفریده است. من نمی‌توانم از واقعیت وحی خدا در چیزهایی که او آفریده است، از جمله من، فرار کنم. بنابراین، خدا آنها را به شهوت دلشان، به ناپاکی، به بی‌آبرو کردن بدن‌هایشان در میان خودشان، تسلیم کرد.

سوءتفاهم نشود؛ خدا آدم و حوا را آفرید؛ او آنها را با هم آورد، اگر بخواهید اولین ازدواج، و قرار بود مرد پدر و مادر خود را ترک کند و به همسرش بچسبد، و آنها یک تن شوند، و این یک زبان حسن تعبیر برای رابطه جنسی است، و آدم حوا را می‌شناخت. خدا رابطه جنسی را آفرید. او می‌خواهد انسان‌ها در چارچوب ازدواج از یکدیگر لذت ببرند، اما این به دلیل بت‌پرستی قلب انسان است. خدا انسان‌ها را به گناه جنسی تسلیم می‌کند زیرا آنها مبادله می‌کنند، دوباره آن کلمه زشت وجود دارد، آنها جلال خدا را با بت‌ها مبادله می‌کنند، و اکنون آنها حقیقت در مورد خدا و اراده او برای انسان را با دروغ مبادله می‌کنند، و مخلوق را به جای خالق می‌پرستند و خدمت می‌کنند، و پولس، همانطور که اغلب انجام می‌دهد، نمی‌تواند خود را از خالق، که تا ابد متبرک است، باز دارد.

به همین دلیل، خدا آنها را به شهوات ننگین تسلیم کرد، زیرا زنانشان روابط طبیعی را رد و بدل کردند، منظور با مردان است، برای کسانی که خلاف طبیعت هستند، و مردان نیز روابط طبیعی با زنان را رها کردند و غرق در شهوت نسبت به یکدیگر، مردان دیگر، مردانی که مرتکب اعمال بی‌شرمانه با مردان می‌شوند، شدند و در خود مجازات سزاوار خطای خود را دریافت کردند. شکی نیست که کتاب مقدس گناه جنسی، از جمله گناه همجنس‌گرایی را محکوم می‌کند. مطمئناً، مسیحیان باید همه مردم، همه گناهکاران، دگرجنس‌گرا و همجنس‌گرا را دوست داشته باشند، اما ما الهیات، آموزه‌ها یا اخلاق خود را با معیارهای جامعه یا هر چیز دیگری که انسان‌ها ممکن است پیشنهاد کنند یا فلسفه انسانی مطابقت نمی‌دهیم.

تنها کتاب مقدس «به این معنی است که کتاب مقدس مرجع اصلی ما برای همه چیز در الهیات و اخلاق» برای آنچه که ما باور داریم و نحوه زندگی ما است. عمل همجنس‌گرایی با آموزه‌های کلام خدا ناسازگار است. من این را با لحنی زننده یا با خشم در قلبم یا عدم عشق به افراد نجات نیافته از هر عقیده‌ای نمی‌گویم، بلکه این را به عنوان یک معلم منصوب کلام خدا می‌گویم.

و از آنجایی که آنها خدا را به رسمیت نشناختند، بشر به بت‌پرستی و گناهان جنسی روی آورد، خدا آنها را به ذهنی پست واگذاشت تا کارهایی را که نباید انجام دهند، انجام دهند. آنها پر از انواع بی‌عدالتی، شرارت، طمع و بدخواهی بودند. آنها پر از حسادت، قتل، نزاع، فریب و بدخواهی هستند.

توجه داشته باشید که در این متن، چیزی فراتر از گناهان جنسی مورد بحث قرار گرفته است. این گناهان عبارتند از: غیبت‌کنندگان، تهمت‌زنندگان، دشمنان خدا، گستاخ، متکبر، لاف‌زن، مبدعان شر، نافرمان از والدین، احمق، بی‌وفا، سنگدل و بی‌رحم. و سپس آن آیه می‌آید، اگرچه آنها حکم عادلانه خدا را می‌دانند. رومیان ۱:۳۲، که کسانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، سزاوار مرگ هستند.

کتاب جامعه می‌گوید آنها در قلب‌هایشان می‌دانند که خداوند ابدیت را در قلب‌های ما نهاده است. ما نمی‌توانیم آن را، یا حتی جهان او را، به طور کامل درک کنیم، اما آن حس خدا وجود دارد. مفهوم کالوین از حس الوهیت، آگاهی ذاتی از وجود خدا، در نهاد بشر نهاده شده است.

اگرچه آنها می‌دانند افرادی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، سزاوار مرگ هستند، اما نه تنها آنها را انجام می‌دهند، بلکه کسانی را که آنها را انجام می‌دهند، تأیید می‌کنند. بنابراین، انسان‌ها، او از زبان کتاب جامعه

استفاده کرد، زیر آفتاب، انسان‌ها در جهان خدا، جدا از کلام خدا، وجود خدا را می‌دانند. و آنها آن را انکار می‌کنند، اما آن را می‌دانند، و در برابر چیزی که بهتر از آن می‌دانند، انکار می‌کنند.

و آنها درگیر بت‌پرستی و گناهان جنسی و تمام این گناهانی می‌شوند که او فهرست کرده است. در فصل ۲، او شروع به داوری گروه دیگری می‌کند و نیاز آنها را نشان می‌دهد. چرا از گناه دم می‌زنند؟ همانطور که گفتم، خدا گناهکاران را دوست دارد.

این بخشی در مورد عادل شمردگی است، و او به آن می‌رسد، اما باید نشان دهد که برای ایمان آوردن افراد نجات نیافته به انجیل و نجات یافتن، به عادل شمردگی نیاز است. بنابراین، شولر، رابرت شولر، واعظی که اصلاح‌طلبان را به این متهم کرد که در مورد گناه و داوری کاملاً بی‌اساس هستند، و قرار بود تصویری مثبت از آن ارائه دهد و غیره، به خاطر تحریف آموزه‌های کتاب مقدس گناهکار است. حال، ما از موعظه آنچه لوثر خبر بد می‌نامید، لذت نمی‌بریم.

است، و لوثر گفت، ما دوست نداریم در مورد euangelion او دارد با کلمات بازی می‌کند. گاسپل به معنی به معنی شر، بد و غیره است Kakos. صحبت کنیم kakangelion.

ما می‌خواهیم خبر خوب را بگوییم، نه خبر بد را، اما غلطیان و رومیان، قبل از صحبت در مورد خبر خوب زمینه لازم را برای درک آن، چه رسد به باور آن، در توضیح خبر بد فراهم می‌کنند. بحثی وجود دارد که آیا پولس در رومیان ۲:۱، همانطور که من پیشنهاد داده بودم، علیه یهودیان صحبت می‌کند یا علیه اخلاق‌گرایان. در واقع، من تا حدودی بی‌طرف بوده‌ام و می‌گویم که در اینجا یا از اخلاق‌گرایان صحبت می‌شود یا از یهودیان.

بنابراین، ای انسان، ای هر که داوری می‌کند، زیرا با داوری بر دیگری، خود را محکوم می‌کند، زیرا تو، ای قاضی، خود نیز همان کارها را انجام می‌دهی. ما می‌دانیم که داوری خدا به حق بر کسانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، نازل می‌شود. ای انسان، آیا گمان می‌کنی که بر کسانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، داوری می‌کنی و خود نیز همان کارها را می‌کنی، که از داوری خدا رهایی خواهی یافت؟ یا بر ثروت مهربانی و بردباری و شکیبایی او تکیه می‌کنی، غافل از اینکه مهربانی خدا برای هدایت تو به توبه است؟ اما به خاطر قلبت، قلبی توبه‌ناپذیر، برای خود در روز غضب، زمانی که داوری عادلانه خدا آشکار خواهد شد، غضب ذخیره می‌کنی.

آموزه‌های پولس مبنی بر اینکه گناهکاران می‌توانند محکومیت ابدی خود را افزایش دهند، نه طول آن، ابدی است، بلکه شدت آن، شدت آن، با شورش آنها علیه خدا. شما خشم را برای خود ذخیره می‌کنید. آیه ۱۲ همه کسانی که بدون شریعت گناه کردند، بدون شریعت هلاک خواهند شد.

همه کسانی که تحت شریعت گناه کرده‌اند، به وسیله شریعت داوری خواهند شد. زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در پیشگاه خدا پارسا شمرده می‌شوند، بلکه کسانی که به شریعت عمل می‌کنند، پارسا شمرده خواهند شد. زیرا وقتی غیریهودییانی که شریعت خدا، یعنی ده فرمان، را ندارند، ذاتاً آنچه را که شریعت مقرر می‌دارد، انجام می‌دهند، برای خود شریعتی هستند.

آنها نشان می‌دهند که عمل شریعت بر قلبشان نوشته شده است، در حالی که وجدانشان نیز گواهی می‌دهد و افکار متضادشان آنها را متهم می‌کند یا حتی تهرئه می‌کند. در روزی که طبق انجیل من، خدا به وسیله مسیح عیسی، اسرار انسان‌ها را داوری می‌کند. اینجا چه خبر است؟ غیریهودییانی که ده فرمان را ندارند، برای خود شریعتی هستند.

این قانون با قانون طبیعی که در مکاشفه‌های عمومی، از جمله مکاشفه‌های انسانی، آشکار می‌شود، متفاوت است. این تأثیر قانون خدا است که بر قلب نوشته شده است. در اینجا بین جنبه اخلاقی ایماگو دئی، که در افسسیان ۴:۲۲ تا ۲۴ در مورد آن صحبت کردیم، همپوشانی وجود دارد.

آدم و حوا در پارسایی و تقدس حقیقی آفریده شدند. این هم در مورد همین ایده صحبت می‌کند. خداوند اخلاق، یعنی حس تشخیص درست و غلط را در ذات انسان قرار داده است.

و او به ما وجدان داده است، که نوعی ابزار سنجش است، اینکه شما آن کار را درست انجام دادید، شما تخلف کردید. طبق این حس ذاتی درست و غلط، طبق شریعت خدا که بر قلب نوشته شده است، پولس می‌گوید کسانی که بدون شریعت خدا گناه می‌کنند، شریعت خدا، شریعت خدا که بر قلبشان نوشته شده است، دارند. آنها محکوم خواهند شد.

و کسانی که گناه می‌کنند، وضعشان حتی بدتر است. با اینکه شریعت خدا بر آنها نوشته شده، هنوز شریعت خدا بر دل‌هایشان است. و وقتی گناه می‌کنند، دو برابر محکوم می‌شوند.

اما در واقع سه بار است. قانون خدا در خلقت، قانون خدا در قلب، قانون خدا در نوشته. بنابراین، او مطمئناً در اینجا به یک جهت یهودی اشاره می‌کند.

این یه چیز فوق‌العاده‌ست. غیریهودی‌هایی که شریعت ندارند، خودشون برای خودشون شریعت هستن. وای

بنابراین، همانطور که آن مرد در غار نشان داد، انسان‌ها بخشی از وحی عمومی هستند. انسان‌ها همچنین به معنای دیگری بخشی از وحی عمومی هستند، زیرا وحی خدا در خلقت، زیبایی، مقام خالقیت، و اگر بتوانم کلمه‌ای بسازم، قدرت، حکمت او را آشکار می‌کند، اما تقدس، عدالت، فیض یا انجیل او را آشکار نمی‌کند. این چیزها را آشکار نمی‌کند.

اما شریعت خدا در قلب آشکار می‌کند، نه انجیل؛ بلکه تقدس و عدالت خدا را آشکار می‌کند، زیرا ما را متهم می‌کند. وجدان، اگر بخواهید، معیار است، فشارسنج، دماسنج، که در برابر این قاضی ذاتی که در درون داریم عمل می‌کند. این شریعت خداست که در تار و پود وجود و زندگی انسان گنجانده شده است.

ما درست و غلط را می‌دانیم. این چیزی بود که سی. اس. لوئیس در موردش صحبت می‌کرد. او می‌گوید ما درست و غلط را می‌دانیم و من آن را ثابت خواهم کرد.

من به دماغت مشت می‌زنم یا پامو روی پات می‌ذارم. تو می‌گی، اوه، داری با من چیکار می‌کنی؟ این اتهام نشون می‌ده که تو خوب و بد رو می‌دونی. وقتی باهات بد می‌کنن، تو متخصص تشخیص خوب و بد هستی.

وقتی اشتباه می‌کنی، تقصیر کس دیگری است، نه خیلی زیاد. احتمالاً به نوعی آن را لاپوشانی می‌کنی، سعی می‌کنی توجیهش کنی. اما وقتی نوبت به در خانه‌ات می‌رسد، اوه، سریع به آن اشاره می‌کنی.

غیریهودیان به دلیل این معیار اخلاقی که با آن ساخته شده‌اند، برای خود قانون هستند. شناخت درست و غلط بخش جدایی‌ناپذیر بشریت است. ما نمی‌توانیم از شر آن خلاص شویم.

این بخشی از ماست. ما وحی الهی هستیم. ما وحی اخلاقی الهی هستیم.

این همان معنایی است که بگوییم ما به تصویر او از عدالت و تقدس واقعی آفریده شده‌ایم. تصویر خدا یک مؤلفه اخلاقی دارد. اما اگر خود را یهودی می‌نامید، انسان‌ها محکوم می‌شوند زیرا علیه قانون خدا در خلقت شورش می‌کنند و درگیر بت‌پرستی، گناهان جنسی و کل گناهان ذکر شده در پایان رومیان ۱ می‌شوند. انسان‌ها، همچنین زمانی محکوم می‌شوند که گاهی اوقات از حس درست و غلط خود که در آنها نهادینه شده است، تخطی می‌کنند.

آنها وحی‌های عمومی از نظر وجدان و شریعت خدا بر قلب هستند. یهودیان به روش سوم محکوم شده‌اند. اما اگر خود را یهودی می‌نامی، رومیان ۱۷:۲، و به شریعت تکیه می‌کنی و به خدا افتخار می‌کنی، و اراده او را می‌شناسی و آنچه را که عالی است، به این دلیل که از شریعت تعلیم یافته‌ای، تأیید می‌کنی، و اگر مطمئن هستی که خودت راهنمای کوران، نور کسانی هستی که در تاریکی هستند، مربی نادانان، معلم کودکان، و دارای شریعت مظهر دانش و حقیقت هستی، پس تو که دیگران را تعلیم می‌دهی، آیا خودت را تعلیم نمی‌دهی؟ در حالی که علیه دزدی موعظه می‌کنی، آیا دزدی می‌کنی؟ در حالی که می‌گویی نباید زنا کرد، آیا خودت زنا می‌کنی؟ تو که از بت‌ها بیزار هستی، آیا معابد را غارت می‌کنی؟ تو که به شریعت افتخار می‌کنی، با شکستن شریعت خدا را بی‌حرمت می‌کنی.

زیرا نوشته شده است که به خاطر شما، نام خدا در میان غیریهودیان کفر گفته می‌شود. اشعیا ۵۲: ۵. زیرا اگر از شریعت اطاعت کنید، ختنه شدن شما ارزش دارد. اما اگر از شریعت سرپیچی کنید، ختنه شما به نامختونی تبدیل می‌شود.

ای وای. آیه ۲۹، اما یک یهودی از درون یهودی است، و ختنه امری قلبی و از روی روح است، نه از روی حرف. احتمالاً این کلمه با کلمه یهودا که به معنی ستایش است، بازی می‌کند.

ستایش او نه از جانب انسان، بلکه از جانب خداست. یهودا، یهودی، پولس با این موضوع بازی می‌کند. بنابراین، پولس از طریق رومیان ۲، جهان را در برابر خدا به زانو درآورده است.

وحی در خلقت، آن بهانه را برای ما باقی می‌گذارد. وحی در قلب، ما را محکوم می‌کند وقتی که از آن قانون خدا در قلب خود تخطی می‌کنیم. و یهودی که کلام خدا را به صورت کتبی دارد، در وضعیت بدتری قرار دارد زیرا کلام مکتوب خدا، محکوم‌کننده و قاضی بسیار بهتری نسبت به قانون قلب و قانون خلقت است.

خدای من. پولس پس از دفاع از مزایای که یهودیان در بخش ابتدایی رومیان ۳ دارند، پس از آنکه از کسانی که تأکید او بر فیض را به نادیده گرفتن گناه توسط خدا متهم می‌کنند، خشمگین می‌شود، اظهار تاسف می‌کند. این به پولس چنان عطا شده است که خدا داوری خواهد کرد.

ما به هیچ وجه گناه را نادیده نمی‌گیریم. زیرا پس چگونه خدا می‌تواند جهان را داوری کند؟ رومیان ۳:۶. این یک امر بدیهی است. شکی نیست.

اگر خدایی وجود داشته باشد، او مقدس و عادل است. او داوری خواهد کرد. همین.

جالب اینجاست که او از مزبور ۵۱ نقل قول می‌کند، یعنی همان کلماتی که من می‌گویم. اینجا یک حذف وجود دارد. و داوود اعتراف می‌کند تا خدا در روز قیامت در داوری خود عادل شمرده شود.

این دقیقاً همان چیزی است که او در رومیان ۳:۴ نقل قول می‌کند. در مورد کسانی که می‌گویند پولس تعلیم می‌دهد، چرا این کار را نکنیم؟ اگر گناهکاری انسان فقط برای نشان دادن لطف خدا در توجیه است، پس چرا نباید مانند حیوانات وحشی گناه کنیم؟ چرا با تمام وجود گناه نکنیم؟ او، پولس واقعاً از این موضوع عصبانی

بود. چرا بدی نکنیم تا خیر بیشتری حاصل شود؟ همانطور که برخی با تهمت به ما می‌گویند، سخنان پولس ساده است. محکومیت آنها عادلانه است.

لعنت بر آنها. پس چه؟ آیا ما یهودیان وضع بهتری داریم؟ رومیان ۳:۹. به هیچ وجه. زیرا پیش از این گفته‌ایم که همه، چه یهودیان و چه یونانیان، همانطور که نوشته شده است، گرفتار گناه هستند.

هیچ‌کس عادل نیست. نه، حتی یک نفر. اینجا صحبت از عیسی نیست.

این درباره انسان‌هایی است که زیر آفتاب هستند، انسان‌هایی که شریعت در قلب‌هایشان است، و انسان‌هایی که شریعت در دست‌ان‌شان است. عهد عتیق. هیچ‌کس نمی‌فهمد.

هیچ‌کس دنبال خدا نمی‌گردد. البته، مردم دنبال خدا می‌گردند. آه، آنها خودشان دنبال خدا نمی‌گردند.

آنها فقط زمانی خدا را جستجو می‌کنند که خدا آنها را جستجو کند. همه روگردان شده‌اند. همه با هم بی‌ارزش می‌شوند.

هیچ‌کس کار نیک نمی‌کند. حتی یک نفر. چه زبانی؟

این یک زبان جامع است. این خلاصه‌ای است که پولس از فصل‌های قبلی از ۱:۱۸ ارائه می‌دهد. و سپس او آنچه را که بعداً خواهد گفت، به تصویر می‌کشد. همانطور که از ابزارهای بدنی خود، اعضای بدن خود به عنوان ابزاری برای گناه استفاده می‌کنید، اکنون از آنها به عنوان ابزار و وسایل عدالت استفاده کنید.

خب، او نکته‌ی اول را اینجا به تصویر می‌کشد. گلولی آنها یک گور باز است. آنها از زبان‌شان برای فریب دادن استفاده می‌کنند.

زهر افی‌ها زیر لب‌هایشان است، مارهای سمی. دهانشان پر از نفرین و تلخی است. پاهایشان برای ریختن خون سریع است.

در راه‌هایشان تباهی و بدبختی است و راه صلح را نشناخته‌اند. ترس خدا در چشمانشان نیست.

اکنون می‌دانیم که هر آنچه شریعت می‌گوید، خطاب به کسانی است که زیر شریعت هستند تا هر دهانی بسته شود و تمام جهان در برابر خدا پاسخگو باشد. زیرا با اعمال شریعت، هیچ انسانی در نظر او عادل شمرده نخواهد شد، زیرا از طریق شریعت، شناخت گناه حاصل می‌شود. ۱:۱۸ تا ۳:۲۰، پولس جهان را در برابر خدا به زانو در می‌آورد.

اما اکنون عدالت خدا آشکار شده است. با بازگشت به مضمون رومیان در ۱:۱۶ و ۱۷. کمی به عقب، ۳:۲۱، برگردیم، بیش از همه، اسرائیل به این دلیل محکوم شده است که از قانون مقدس خدا سوءاستفاده کرده است.

او چیزی را که قرار بود او را به گناهِش محکوم کند و به سوی مسیح سوق دهد، برداشت و در عوض آن را به فرصتی برای غرور تبدیل کرد، 2:23. او خود را برتر از غیریهودیان می‌دانست که فاقد وحی مکتوب از خدا بودند. آنها یک مشیت وحشی هستند، 17 تا 24 از فصل دوم رومیان. او غیریهودیان را با شریعت خود داوری کرده است و با این حال خودش شریعت را زیر پا گذاشته است.

بنابراین، اسرائیل بدترین ریاکار از همه بود، آیات ۲۱ تا ۲۴. اسرائیل فراموش کرده است که دین حقیقی درونی است و نه صرفاً بیرونی. آنها پیروی بیرونی از شریعت، یعنی ختنه جسم، را جایگزین عمل درونی روح، یعنی ختنه قلب، کرده‌اند.

اسرائیل با جستجوی ستایش مردم به جای ستایش خدا، نام نیک خود را از دست داده است، آیات ۲۸ و سی. بی. کرانفیلد، در تفسیر عالی خود بر رومیان، توضیح می‌دهد، نقل قول می‌کند، که بند موصولی پایانی ۲۹. یهودی، و فعل عبری به معنای ستایش، هیفال، Yahudi احتمالاً شامل یک بازی عمدی با ارتباط بین و مشتقات آن است. این یک بازی عجیب است که به پیدایش ۲۹:۳۵، ۴۹:۸ برمی‌گردد و در Yadah، یهودیت به خوبی شناخته شده است.

تفسیر انتقادی بین‌المللی کرانفیلد بر رومیان. رومیان ۳: ۹ تا ۲۰ اوج استدلال پولس است که در ۱: ۱۸ آغاز شد. او در آیه ۹ می‌گوید: پس چه نتیجه‌ای بگیریم. او نتیجه می‌گیرد که هم یهودی و هم غیریهودی در برابر خدا گناهکار هستند. او اثبات نهایی‌تر خود را در مجموعه‌ای از متون عهد عتیق ارائه می‌دهد که گناهکاری جهانی بشر را در آیات ۱۰ تا ۱۸ نشان می‌دهد.

پولس منکر وجود حتی یک انسان عادل است، آیه ۱۰. او می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی امور خدا را درک کند. هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی خدا را بجوید.

مفهوم ضمنی این است که خدا باید گناهکاران را بجوید تا آنها او را بجویند. رسول، تمام بشریت را از راه خدا منحرف می‌داند. هیچ‌کس چیزی ندارد که او را به خدا نزدیک کند.

پولس به ادعای خود مبنی بر اینکه حتی یک نفر هم خوب نیست، در آیه ۱۲ برمی‌گردد. به این ترتیب، او آیات ۱۰: ۳ تا ۱۸ را برای ما بین ۱۲ و ۱۳ تقسیم می‌کند. در آیات ۱۳ تا ۱۸، پولس از این ایده استفاده می‌کند که همانطور که قبلاً گفتم، در آیه ۱۳: ۶ به صراحت به شخصی اشاره خواهد کرد که از اعضای بدن خود به عنوان ابزاری برای خیر یا شر استفاده می‌کند.

در رومیان ۳، اعضای بدن، البته، برای شرارت استفاده می‌شوند. زبان، آیات ۱۳ و ۱۴. پاها، ۱۵ تا ۱۷.

و چشم‌ها، آیه ۱۸. همه اینها شورش انسان علیه خدا را آشکار می‌کند. پولس آیات ۱: ۱۸ تا ۳: ۲۰ را با آیات ۳: ۱۹ و ۲۰ به پایان می‌رساند.

ما می‌دانیم که شریعت چه می‌گوید، و خطاب به کسانی است که زیر شریعت هستند تا هر دهانی بسته شود و تمام جهان در برابر خدا پاسخگو باشد، زیرا با اعمال شریعت، هیچ انسانی در نظر او عادل شمرده نخواهد شد، زیرا از طریق شریعت، شناخت گناه حاصل می‌شود. شریعت آن را عادل نمی‌شمارد؛ بلکه به گناه محکوم می‌کند. بنابراین، همه مردم، چه آنان که زیر خلقت هستند، چه آنان که شریعت خدا را در دل دارند، و چه یهودیان، به وسیله شریعت در جلوه‌های مختلف آن، در برابر خدا محکوم هستند.

قانون طبیعی، قانون در قلب، قانون موسی. پولس در آیه ۲۱ به موضوع اعلام شده در آیات ۱۶ و ۱۷ بازمی‌گردد. مکاشفه عدالت نجات‌بخش خدا در مسیح و انجیل.

در سخنرانی بعدی خود، همچنان که در حال آماده‌سازی مقدمات برای رومیان ۵: ۱۲ تا ۸: ۱۹، یعنی متن گناه نخستین بزرگ، در چارچوب رومیان ۱ تا باب ۵ هستیم، به همین موضوع باز خواهیم گشت.

،این سخنرانی دکتر رابرت ای .پترسون در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است .این جلسه ۱۴ ، گناه نخستین رومیان ۱۲:۵-۱۹ ، در چارچوب رومیان ۱۸:۱-۲۱:۳ است